

ادامه کمک‌های جامعه جهانی و سر نوشت جنگ و صلح در افغانستان

سرمقاله

جان غیر نظامیان باید حفظ شود

محمد رضا هویدا

جنگ برای غیر نظامیان همواره فاجعه بار بوده است. غیر نظامیان در همه جنگ‌ها بیشترین آسیب‌ها را می‌بینند. و در میان غیر نظامیان نیز اطفال و زنان بیشتر از دیگران صدمه می‌بینند. ماهیت جنگ در افغانستان به گونه‌ای است که در قدم اول، غیر نظامیان در معرض خطر جنگ هستند. طالبان سالهاست که از حربه عملیات‌های انتحاری، ترور و ماین گذاری کنار جاده‌ای به عنوان ابزارهای جنگی در افغانستان استفاده می‌کنند. این ابزارها تقریباً به عنوان راه‌های جنگی مرسوم طالبان تبدیل شده‌اند. کمتر روزی را شاهد هستیم که طالبان به یکی از این ابزارها متوسل نشوند. هر روز در جایی از این کشور، طالبان یا در عملیات‌های انتحاری شماری را می‌کشند و یا در ماین‌های کنار جاده‌ای و یا نیز فردی یا افرادی را ترور می‌کنند.

روش‌های فوق برای جنگ علیه دولت و اردو بسیار غیر دقیق هستند. در یک عملیات انتحاری به هیچ صورت دقتی در کار نیست. یک عملیات انتحاری در قدم اول، هدف کشتن را دنبال می‌کند بدون اینکه کنترلی بر این که هدف چه کسی است و چگونه به قتل می‌رسد، داشته باشد. یک ماین کنار جاده‌ای نیز در قدم اول به هدف کشتن یک انسان کار گذاشته می‌شود و دقت در هدف برای آن کاملاً پایین است، اولین کسی که پای بر ماین گذاشت قربانی است.

جنگ در افغانستان در سالهای گذشته روند صعودی داشته است. قتل غیر نظامیان نیز خود دلیلی بر این است که جنگ در افغانستان شدیدتر شده است. از طرف دیگر جغرافیای نیز گسترش پیدا کرده است. جنگی که زمانی تقریباً در جنوب منحصر بود حالا شمال و بسیاری از ولایات دیگر را در بر می‌گیرد. بدین جهت هر چه جغرافیای جنگ گسترده شود، میزان تلفات انسانی نیز بالاتر می‌رود.

نیروهای افغان نیز بعد از خروج نیروهای خارجی از کشور، تقریباً بار سنگین جنگ را به تنهایی به دوش می‌کشند. این بار برای نیروهای افغان که در خط مقدم جنگ علیه تروریسم قرار دارند، بار سنگینی است. نبود امکانات، پایین بودن ظرفیت‌های آموزشی و تخصصی، و... همه در کنار هم سنگینی بار جنگ علیه تروریسم را برای نیروهای افغان بیشتر کرده است.

هدف اصلی دولت در این میان، باید جلوگیری از قتل غیر نظامیان باشد. هر چند پیدا کردن مسببین قتل غیر نظامیان نیز یکی از اهداف شمرده می‌شود. اما در قدم اول باید جلو کشته شدن غیر نظامیان به هر وسیله‌ای گرفته شود. راه‌هایی که تاکنون در قبال قتل غیر نظامیان روی دست گرفته شده‌اند، معمولاً چندان پاسخگو نبوده‌اند. دولت باید به فکر راه‌های موثرتری برای جلوگیری از قتل غیر نظامیان باشد. به عنوان نمونه فرهنگ معافیت در دادگاه‌های افغانستان یکی از عواملی است که برای مجرمین حسن مصونیت را القا می‌کند و به همین دلیل نیز بسیاری از مجرمین با خیال راحت دست به جنایت می‌زنند و مطمئن هستند که به سادگی می‌توانند فرار کنند. در صورتی که فرهنگ معافیت در سیستم قضایی افغانستان کاهش یابد و مجرمین باور کنند که در صورت ارتکاب جرم به هر صورتی عدالت در مورد آنها اجرا می‌شود، مطمئناً از میزان جنایات کاسته خواهد شد.

دولت افغانستان باید در قبال حفظ جان افراد غیر نظامی استراتژی مشخصی را روی دست بگیرد. این استراتژی مسلمانا به سیاست کلی دولت افغانستان در قبال جنگ بر می‌گردد. امنیت شهروندان افغانستان بدون در نظر داشتن کلت جنگ و صلح در افغانستان قابل تعریف نیست. امنیت شهروندان تنها زمانی تعریف خواهد شد که سیاست افغانستان در قبال جنگ و صلح مشخص شود.

در کنفرانس وارسا کشورهای عضو ناتو متعهد به پرداخت پنج میلیارد دلار در سال به نیروهای امنیتی افغانستان تا سال ۲۰۲۰ میلادی شدند. کمک مالی جامعه جهانی به نیروهای امنیتی کشور جنگ افغانستان را وارد فاز جدید نمود. اکنون برای نیروهای مخالف مسلح دولت سخت و دشوار است که بتوانند با ادامه جنگ به خواست‌های خود دست یابند. اکنون پرسش این است که آیا جنگ در افغانستان ادامه خواهد یافت و یا اینکه ادامه کمک‌های جامعه جهانی به مثابه پایان بی ثباتی در افغانستان است. پاسخ به این پرسش سخت و دشوار است. با این حال، ادامه و پایان جنگ بستگی به چند مسئله دارد.

اول: در نشست وارسا کشورهای عضو ناتو و دیگر متحدان آمریکا متعهد به پرداخت ۵ میلیارد دلار در سال به نیروهای امنیتی افغانستان تا سال ۲۰۲۰ شد. کمک جامعه جهانی به لحاظ زمانی محدود است. به دیگر سخن، تأمین نیازمندی‌های نیروهای امنیتی بعد از سال ۲۰۲۰ یک مسئله جدی است. بعد از سال ۲۰۲۰ آیا حکومت افغانستان قادر به تأمین نیازمندی‌های نیروهای امنیتی خود خواهد بود؟ محاسبه گروه‌های مخالف مسلح دولت و حامیان آن بر همین مبنا صورت می‌گیرد. اگر محاسبه گروه‌های مخالف مسلح دولت همانند گروه طالبان و حامیان این گروه این باشد که حکومت افغانستان قادر به تأمین نیازمندی‌های مالی و تسلیحاتی نیروهای امنیتی شان بعد از سال ۲۰۲۰ نخواهد بود در آن صورت با انگیزه تمام به جنگ ادامه می‌دهد. برعکس، در صورتی که گروه طالبان و حامیان آن‌ها به این باور و درک برسد که حکومت مرکزی افغانستان بعد از سال ۲۰۲۰ قادر به تأمین نیازمندی‌های مالی و تسلیحاتی شان خواهد شد در آن صورت احتمال آن می‌رود که حمایت‌ها از گروه‌های مخالف مسلح دولت کاهش یابد و در نهایت، جنگ‌ها محدود شود.

دو: در نهایت، جنگ‌ها محدود شود. اکنون پرسش این است که آیا حکومت قادر به تأمین نیازمندی‌های مالی نیروهای امنیتی کشور خواهد بود. در سال ۲۰۱۲، رهبران کشورهای عضو ناتو تصمیم گرفتند که به نیروهای امنیتی افغانستان کمک مالی

رحیم حمیدی



رومی کار آمدن حکومت وحدت ملی اما، وضعیت تا حدی بهتر شد. حکومت وحدت ملی توانست کنترل و نظارت بر گمرک‌ها را بیشتر نموده و در جمع‌آوری مالیات نیز موفق‌تر از حکومت قبلی عمل نماید. با این حال، تجربه حکومت وحدت ملی در عرصه مبارزه با فساد تا این جای کار با حکومت قبلی یکسان بوده است. حکومت وحدت ملی در امر مبارزه با فساد به جای تقویت نهادهای قضایی دست به ایجاد نهادهای موازی زده است. امری که مبارزه با فساد را چندلایه و پیچیده می‌سازد. با این حال، حکومت وحدت ملی به لحاظ برنامه‌ریزی و پلان‌گذاری در عرصه‌های مختلف بهتر از حکومت قبلی عمل نموده است. با وجود پلان‌ها و برنامه‌ها امسا، حکومت قادر به گرفتن مسئولیت تأمین مالی نیروهای بعد از سال ۲۰۲۰ و یا ۲۰۲۴ نخواهد بود. زیرا، در دوره حکومت وحدت ملی با وجود وجود بالا رفتن عایدات داخلی کشور و وضعیت اقتصادی کشور بدتر شده است. بدتر شدن وضعیت اقتصادی کشور به ضعف در کنترل و نظارت بر گمرک‌های داخلی حکومت نیز از آن متأثر گردد. به همین خاطر، پیش‌بینی می‌شود که

حکومت نتواند بعد از سال ۲۰۲۰ و یا ۲۰۲۴ مسئولیت تأمین مالی نیروهای امنیتی را به عهده گیرد. دوم: پایان جنگ تنها بستگی به تأمین مالی نیروهای امنیتی کشور بستگی ندارد. در کنار آن حکومت افغانستان نیازمند متقاعد کردن جامعه جهانی و کشورهای حامی گروه‌های مخالف مسلح دولت برای پایان بخشیدن به جنگ افغانستان است. تا این جای کار، مشخص شده است که گروه‌های مخالف مسلح دولت افغانستان با پاکستان ارتباط گسترده داشته است. در عین حال، آن‌ها روابط با ایران و روسیه نیز داشته است. حکومت وحدت ملی تا این جای کار موفق شده است که آمریکا را تا حدی متقاعد سازد که پاکستان از گروه‌های مخالف مسلح دولت افغانستان حمایت نکند و از آمریکا نخواهد که علیه پاکستان فشار وارد نماید. با این حال، آینده چندان روشن و معلوم نیست. آیا فشارهای جامعه جهانی بر پاکستان نتیجه بخش خواهد بود. آیا پاکستان در امر انتخاب میان منزوی شدن در سطح بین الملل و حمایت از گروه طالبان کدام را انتخاب خواهد کرد مشخص نیست. با این

حکومت نتواند بعد از سال ۲۰۲۰ و یا ۲۰۲۴ مسئولیت تأمین مالی نیروهای امنیتی را به عهده گیرد. دوم: پایان جنگ تنها بستگی به تأمین مالی نیروهای امنیتی کشور بستگی ندارد. در کنار آن حکومت افغانستان نیازمند متقاعد کردن جامعه جهانی و کشورهای حامی گروه‌های مخالف مسلح دولت افغانستان برای پایان بخشیدن به جنگ افغانستان است. تا این جای کار، مشخص شده است که گروه‌های مخالف مسلح دولت افغانستان با پاکستان ارتباط گسترده داشته است. در عین حال، آن‌ها روابط با ایران و روسیه نیز داشته است. حکومت وحدت ملی تا این جای کار موفق شده است که آمریکا را تا حدی متقاعد سازد که پاکستان از گروه‌های مخالف مسلح دولت افغانستان حمایت نکند و از آمریکا نخواهد که علیه پاکستان فشار وارد نماید. با این حال، آینده چندان روشن و معلوم نیست. آیا فشارهای جامعه جهانی بر پاکستان نتیجه بخش خواهد بود. آیا پاکستان در امر انتخاب میان منزوی شدن در سطح بین الملل و حمایت از گروه طالبان کدام را انتخاب خواهد کرد مشخص نیست. با این

روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی

محمود واعظی/قسمت سوم



طریق ابزار نظامی، در سطح بین‌الملل، به منظور مجازات اعمال می‌نماید. - گفت‌وگو پادشاه و تنبیه: این گفت‌وگو مبتنی بر اعمال قدرت از طریق اعطای پادشاه و یا اعمال محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی (تجربیم) می‌باشد. - گفت‌وگو اقتصادی: در این گفت‌وگو اعمال قدرت از طریق توجیه، اقناع و پذیرش طرف مقابل صورت می‌گیرد. گفت‌وگو قدرت در نظام بین‌المللی موجود گفت‌وگو اقلیتی است که مهمترین ابزار آن ارتباطات و توجه به افکار عمومی بین‌الملل، امر انتخاب میان منزوی شدن در سطح بین‌الملل و حمایت از گروه طالبان کدام را انتخاب خواهد کرد مشخص نیست. با این

رابطه با نظام بین‌الملل، جایگاه خود را مورد شناسایی قرار دهند. ۲- ماهیت نظام بین‌الملل نظام بین‌المللی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و دگرگونی در بلوک شرق و اضمحلال پیمان ورشو وارد مرحله نوینی شده است که مهمترین ویژگی‌های آن حول سه محور در حال باز تعریف و یا شکل‌گیری مجدد می‌باشند: الف- نظم اقتصادی: همزمان با شکست الگوی سوسیالیستی در اقتصاد جهانی، الگوی لیبرالی به عنوان الگوی عملیاتی در قالب قدرت نرم مانند اقتصاد، تکنولوژی، ارتباطات و فعالیت حکومت‌ها جایگاه خاصی در عرصه جهانی پیدا کرده است و از طریق نهادهای مختلفی همچون سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و گروه هشت کشور صنعتی، تعاملات اقتصادی جهان (از الگوهای توسعه ملی گرفته تا ساز و کارهای گردش کالا و سرمایه) را هدایت و جهت‌دهی می‌کند. ب- موقعیت آمریکا: یکی از مشخصه‌های سهل و دشوار نظام بین‌الملل، وجود یک ابرقدرت بدون داشتن رقیبی هم‌تراز می‌باشد. ایالات متحده آمریکا پس از پایان جنگ سرد به دلیل برتری قابل توجه اقتصادی و نظامی از موقعیت جهانی ویژه‌ای برخوردار گردید و برای رهبری بر جهان تلاش‌های زیادی به خرج داده

می‌دهد. در حقیقت، این ساختار با تبیین قواعد بازی در عرصه جهانی، عملکرد بازیگران را مشخص و محدود می‌نماید. بدین ترتیب، نظام بین‌الملل در هر مقطع تاریخی قواعد و هنجارهای خاص خود را دارد که در طول حیات آن به تدریج شکل گرفته است. به عبارتی روشن‌تر، رفتار بازیگران تحت تأثیر کیفیت نظام بین‌المللی قرار دارد و این رفتار در طول تاریخ به اشکال گوناگون ظاهر شده است. بنابراین، عملکرد دولت‌ها متغیری وابسته است که از شرایط و مقتضیاتی تأثیر می‌پذیرد که نظام بین‌الملل به عنوان متغیر ثابت به وجود می‌آورد. از آنجا که شاهد بازی‌های گوناگون از سوی دولت‌ها، با توجه به شرایط متفاوت، برای نیل به اهداف سیاسی مورد نظرشان در نظام بین‌الملل هستیم، می‌توان به نوعی الگوی طبقه‌بندی از پویایی روابط میان دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین بازیگران روابط بین‌المللی پی برد. در حقیقت، با توجه به وجود تفاوت‌ها به لحاظ سطوح قدرت، امکانات و موقعیت و حتی اهداف دولت‌ها، می‌توان به تقسیم‌بندی‌های گوناگونی میان بازیگران دست زد. در این صورت، نه تنها جایگاه دولت‌ها در سلسله مراتب جهانی از یکدیگر تفکیک می‌گردد، بلکه میزان فعالیت و تأثیرپذیری آنها از الزامات نظام نیز با درجات مختلف مشخص خواهد شد. در این خصوص، هر یک از دولت‌ها باید برحسب توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود، در

۱- تعریف نظام بین‌الملل بنا بر تعریف، نظام بین‌الملل عبارت است از مجموعه‌ای از بازیگران (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و حتی اشخاص حقیقی) که در تعامل با یکدیگر هستند، کلیتی منسجم را تشکیل می‌دهند و وجود نوعی سامان (نظم) در آن آشکار می‌باشد. با وجود آنکه نظام بین‌الملل محصول کنش متقابل اجزای خود می‌باشد، اما با یافتن شکل ساختاری (نهادهای شدن)، رفتار بازیگران تشکیل‌دهنده خود را تحت تأثیر قرار



افکار عمومی می‌باشد. ب- ماهیت قدرت: ماهیت قدرت همسو با تغییر گفت‌وگو قدرت از توانایی‌های نظامی و سیاسی به سمت توانایی‌های اقتصادی، علمی، ارتباطاتی، اطلاعاتی به عنوان مکمل نظامی و سیاسی در حال تغییر است. به عبارتی دیگر، قدرت از شکل سخت‌افزاری به شکل نرم‌افزاری در حال تغییر ماهیت است. ج- پویایی قدرت: پویایی قدرت در سطح بین‌المللی به ترتیب زیر در حال تحول نظام می‌باشد. ۱- قدرت نظامی غالب است، اما رایج و نافذ نیست. ۲- قدرت اقتصادی رایج است، اما غالب و نافذ نیست. ۳- قدرت فرهنگی، علمی و ارتباطی نافذ است، اما رایج و غالب نیست. [۱۶] ۴- ساختار نظام بین‌الملل از آنجا که واحدهای ملی در نظام بین‌المللی از قدرت یکسانی برخوردار نیستند، سلسله مراتبی از قدرت در متن نظام بین‌المللی مشهود می‌باشد. در حال حاضر، آینده نظام بین‌المللی بر مبنای دیدگاه‌های مختلف، نظامی-ژئوپلیتیکی (مبتنی به همونی آمریکا)، تک قطبی و یا چند قطبی سلسله مراتبی تفسیر می‌شود. با توجه به سلسله مراتبی بودن نظام بین‌المللی، دولت‌ها را از لحاظ سیاسی می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود: ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و ریز قدرت.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده
دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اسلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷